

ناقص‌سازی جنسی زنان از منظر موازین حقوق بین‌الملل بشر

سید قاسم زمانی^۱ و وحید بذآر^۲

پذیرش مقاله: 1399/11/09

دریافت مقاله: 1399/09/08

چکیده

ناقص‌سازی جنسی زنان که آسیب جسمی قابل‌توجهی به آنان وارد می‌سازد، اغلب ریشه در فرهنگ و سنت مردمی دارد که به آن مبادرت می‌کنند. از منظر حقوق بین‌الملل بشر، افراد محقق هستند تا به باورهای فرهنگی خود بپردازند، اما این اقدام هم‌زمان در مغایرت با برخی حق‌های بشری از جمله حق بر سلامت، حق بر رهایی از تبعیض براساس جنسیت، حق بر تولید مثل و حق بر رهایی از شکنجه، رفتار ظالمانه و غیرانسانی است؛ از این‌رو در حقوق بین‌الملل، ناقص‌سازی جنسی زنان شکنجه یا رفتار غیرانسانی قلمداد می‌شود که حق پناهندگی برای قربانیان آن به رسمیت شناخته شده است. همچنین در اسناد بین‌المللی مرتبط، دولت‌ها مکلف شده‌اند با انجام اقداماتی از جمله جرم‌انگاری، تخصیص منابع مالی و افزایش آگاهی و آموزش افراد، تلاش لازم را برای کاهش ناقص‌سازی جنسی زنان انجام دهند.

واژگان کلیدی: ناقص‌سازی جنسی زنان، حقوق بین‌الملل بشر، شکنجه، تبعیض، پناهندگی.

۱. استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی تهران

۲. دانش‌آموخته دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبایی تهران / vahidbazzar@gmail.com (نویسنده مسئول)

مقدمه

«ناقص‌سازی جنسی زنان»¹ (از این پس «ختنه زنان» یا «ختنه») که حتی پیش از پیدایش یهودیت، مسیحیت و اسلام² نیز وجود داشته است، پدیده‌ای جهانی است. مرکز اولیه این موضوع، 27 کشور افریقایی هستند، اما در برخی کشورهای آسیایی و در میان مهاجران به کشورهای استرالیا، کانادا، نیوزیلند، ایالات متحده آمریکا و اروپا نیز مشاهده شده است. براساس آخرین آمار سازمان بهداشت جهانی در سال 2012، حدود 140-100 میلیون از دختران و زنان جهان مورد ختنه قرار گرفته‌اند و سالیانه 3/3 میلیون نفر به این تعداد اضافه می‌شود³ که زنان ساکن در اروپا تنها 500 هزار نفر از این آمار را به خود اختصاص داده‌اند.⁴ برخی کشورها آمار قابل‌تأملی در زمینه ختنه زنان دارند.⁵

سازمان بهداشت جهانی، ختنه زنان را اقدامی تعریف می‌کند که در نتیجه آن، قسمت خارجی آلت تناسلی زنان به طور جزئی یا کلی و با اهداف غیرپزشکی برداشته می‌شود یا صدماتی به آن وارد می‌شود.⁶ ختنه زنان به چهار نوع تقسیم‌بندی می‌شود که دو نوع نخستین به برداشتن بخشی از آلت تناسلی مربوط می‌شود، نوع سوم محدودسازی مدخل را به دنبال دارد و نوع چهارم سایر اقدامات زیان‌بار از جمله سوراخ کردن و سوزاندن را شامل می‌شود. نوشتار حاضر در سه بخش تنظیم شده است: نخست، ممنوعیت بین‌المللی ختنه زنان و تعهدات دولت‌ها در زمینه مقابله با آن مورد توجه قرار می‌گیرد. در بخش دوم به طور مفصل، موضوع از منظر حقوق بین‌الملل بشر بررسی می‌شود و در بخش پایانی، به موضوع ختنه زنان و مسئله تراحم حق‌ها پرداخته خواهد شد.

1. Female Genital Mutilation (FGM) or Female Genitalia

2. برای مطالعه روایات و نظرات فقهای اسلامی درباره ختنه زنان ن.ک: ذوالفقارطلب و جمالی (1393)؛ بسامی و همکاران (1390).

3. Understanding and Addressing Violence against Women: Female Genital Mutilation 2012, available at http://apps.who.int/iris/bitstream/10665177428/1/WHORHR_12.41_eng.pdf, p. 2.

این آمار در قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل در خصوص ختنه زنان که در سال 2012 صادر شد نیز مورد تصریح قرار گرفته است:

G. A. Res. 67/146, U. N. Doc. A/RES/67/146 (Dec. 20, 2012), "Intensifying Global Efforts for the Elimination of Female Genital Mutilations", Preamble, p. 2.

4. Resolution on Combating Female Genital Mutilation in the EU, EUR. PARL. Doc. 2008/2071 (INI), para. H (2009).

5. برای مثال، براساس تحقیقاتی که در سال‌های 2010-2003 در کشور پُرجمعیت اندونزی انجام گرفت، بیش از 86 درصد خانواده‌ها ترجیح می‌دهند دختران خود را ختنه کنند (Nnamuchi, 2014: 68).

6. Understanding and Addressing Violence against Women: Female Genital Mutilation 2012, available at http://apps.who.int/iris/bitstream/10665177428/1/WHORHR_12.41_eng.pdf.

۱. ختنه زنان، ممنوعیت بین‌المللی و تعهد دولت‌ها به مقابله با آن

مبادرت‌کنندگان به ختنه زنان، دلایل متعددی را برای توجیه اقدام خود بیان می‌کنند؛ از جمله دلایل جنسی (کنترل یا کم‌کردن میل جنسی^۱ برای حفظ «بکارت»^۲ دختران تا زمان ازدواج)؛ دلایل اجتماعی (ورود پیش از موعد دختران به مرحله زنانگی)؛ دلایل زیبایی‌شناختی (رفع زشتی آلت تناسلی)؛ و یا دلایل مذهبی (غلامی و مقدمی، ۱۳۹۷: ۶۳). کشورهای جهان به دلیل تمایزهای فرهنگی، واکنش‌های متفاوتی نسبت به مسئله ختنه زنان داشته‌اند. کشورهایمانند بریتانیا و سوئد، قوانین کیفری مخصوصی برای این اقدام وضع کرده‌اند و برخی کشورها از جمله بلژیک، دانمارک و ایتالیا، قوانین کیفری‌شان را برای جرم‌انگاری موضوع، اصلاح کرده‌اند (Sanz Mulas, 2015: 903). برخی کشورها از جمله ایالات متحده آمریکا^۳ حتی انتقال زنان از این کشور به کشورهای خارجی برای انجام ختنه را جرم‌انگاری کرده‌اند (Quitter, 2014: 8).^۴ برخی دولت‌ها از جمله بلژیک، دانمارک، آلمان، ایرلند، ایتالیا و سوئد علاوه بر جرم‌انگاری، برای دادگاه‌های داخلی خود در زمینه رسیدگی به این جرم، «صلاحیت فراسرزمینی»^۵ قائل شده‌اند (Kool & Wahedi, 2015: 10-14).

به‌رغم تصویب قوانین ممنوع‌کننده ختنه زنان، در برخی کشورها قصد جدی برای اجرای این امر وجود ندارد. همچنین جرم‌انگاری ختنه زنان در برخی کشورها از جمله کشورهای افریقایی مانند اتیوپی، مصر و سومالی که بیش از ۹۸ درصد زنان دارای چنین وضعیتی هستند،^۶ می‌تواند به نتایج عجیبی منجر شود؛ زیرا کارکرد حقوق کیفری آن است که اقلیتی از افراد جامعه را که مجرم هستند،

۱. در جوامعی که «چندهمسری» (Bigamy) رایج است، ختنه زنان با هدف کاهش درخواست جنسی زن از همسرش می‌تواند اقدام رایجی قلمداد شود (Rahman & Toubia, 2000: 5-6).

۲. Virginity

۳. 18 U. S. C. A. , para. 116 (2013).

۴. حتی در صورت عدم جرم‌انگاری ختنه زنان در حقوق داخلی کشورها می‌توان این مسئله را تحت سایر عناوین مجرمانه مورد رسیدگی قرار داد. برای مثال با اینکه در حقوق ایران، ختنه زنان جرم‌انگاری نشده است، می‌توان این اقدام را ذیل برخی مقررات قانونی مورد توجه قرار داد. چون در ختنه زنان، تحریک‌پذیرترین قسمت بدن زنان که کلیتوریس (Clitoris) نام دارد و سبب برانگیختگی جنسی و اورگاسم (Orgasm) در زنان می‌شود، بریده می‌شود (Namuchi, 2014: 86)، می‌توان این پیامد را به همراه ایجاد عارضه نازایی تحت عنوان «ازبین‌رفتن منفعت اعضای بدن» مشمول ماده ۵۶۵ قانون مجازات اسلامی ایران (مصوب ۱۳۹۲) قلمداد کرده و مورد مجازات قرار داد.

۵. Extraterritoriality Jurisdiction

۶. UNICEF, Female Genital Mutilation/Cutting: A statistical overview and exploration of the dynamics of change (July 2013), p. 9.

مجازات کند و هنگامی که اکثر افراد جامعه، مرتکب عمل مجرمانه‌ای می‌شوند، اجرای قانون بسیار دشوار خواهد بود (Trueblood, 2000: 465). در چنین جوامعی، اقدامات فرهنگی و اطلاع‌رسانی در زمینه آسیب‌های جسمی و روحی ختنه در زنان می‌تواند به نحو کارآمدتری در کاهش و برچیده شدن احتمالی این اقدام مؤثر باشد. در واقع در جوامعی که ختنه زنان اقدامی فرهنگی است که به طور سنتی از مدت‌ها قبل انجام می‌شده است، باید با اقدامات فرهنگی مثبت و به تدریج به مقابله با آن پرداخت. علاوه بر قوانین ملی، ختنه زنان توسط سازمان ملل و آژانس‌های وابسته به آن و نهادهای منطقه‌ای نیز ممنوع اعلام شده است. برخی حقوق‌دانان این محکومیت گسترده جهانی را مبنایی برای شکل‌گیری «اعتقاد حقوقی»¹ دانسته‌اند و در نتیجه، ممنوعیت ختنه زنان را جزء حقوق بین‌الملل عرفی می‌دانند.² برخی دیگر از این هم فراتر رفته‌اند و ممنوعیت آن را «قاعده آمره»³ در حال شکل‌گیری تلقی می‌کنند (Lau, 2005: 507). مجمع عمومی سازمان ملل نخستین بار در قطعنامه‌ای در سال 1999 میلادی از ممنوعیت ختنه زنان سخن گفت. فارغ از اشاره‌های کلی در برخی قطعنامه‌ها،⁴ مجمع عمومی در سال 2012 مسئله ختنه زنان را به طور مشخص و در قالب دو قطعنامه مورد توجه قرار داد. در 27 فوریه 2008، ده آژانس تخصصی ملل متحد، اعلامیه مشترکی با عنوان «کاهش ختنه زنان» صادر کردند.⁵ همچنین پارلمان اروپا در سال‌های 2001، 2009 و 2012، سه قطعنامه در زمینه ممنوعیت و محکومیت ختنه زنان صادر کرد. اقدام مهمی که در منطقه اروپا در این زمینه انجام شد، قطعنامه‌ای بود که شورای اروپا در سال 2001 صادر کرد⁶ و در سال 2011 آن را به منظور تبدیل شدن به کنوانسیون برای امضای دولت‌ها آماده ساخت (Avalos, 2015: 631). این کنوانسیون (معروف به کنوانسیون استانبول) در سال 2014 لازم‌الاجرا شد.

1. Opinio Juris

2. برای مطالعه بیشتر درباره عرفی بودن این ممنوعیت ن.ک:

Quitter, Bridget. 2014, "Culture or Condemnation? The Status of Female Genital Mutilation in International Law," SSRN Electronic Journal.

3. Jus Cogens

4. G. A. Res. 61/143, ¶ 3, 5, U. N. Doc. A/RES/61/143 (Jan. 30, 2007).

5. Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, Joint United Nations Programme on HIV/AIDS, United Nations Development Programme, Economic Commission for Africa, United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization, United Nations Population Fund, Office of the United Nations High Commissioner for Refugees, United Nations Children's Fund, United Nations Development Fund for Women and World Health Organization, Eliminating female genital mutilation: an interagency statement, WHO, 2008.

6. Eur. Parl. Ass. , Female Genital Mutilation, 108th Sess. , Doc. No. 1247 (2001).

اسناد و مراجع بین‌المللی تعهدها و الزام‌هایی را در راستای مقابله با ختنه زنان برای دولت‌ها پیش‌بینی کرده‌اند. قطعنامه سال 1990 مجمع عمومی سازمان ملل از دولت‌ها می‌خواهد در زمینه سنت‌های متداول از جمله ختنه زنان که بر سلامت زنان و دختران تأثیرگذار است، قوانین و تدابیر ممنوع‌کننده را ایجاد و اجرا کنند.¹ دو قطعنامه دیگر مجمع عمومی که در سال 2012 صادر شد نیز تعهدهایی را برای دولت‌ها برمی‌شمرد. قطعنامه نخست با عنوان افزایش تلاش‌های جهانی برای کاهش ختنه زنان،² تمامی دولت‌های عضو سازمان را ملزم می‌کند تا در قلمرو سرزمینی خود قوانینی را در زمینه ممنوعیت ختنه زنان تصویب کنند و به «بی‌کیفرمانی»³ چنین اقدامی پایان دهند. این قطعنامه علاوه بر الزام دولت‌ها به تخصیص منابع مالی لازم برای کاهش ختنه در میان زنان جوامع خود، از آن‌ها می‌خواهد توجه ویژه‌ای به زنان مهاجر و پناهنده داشته باشند.⁴ قطعنامه دوم نیز از «تعهد مثبت»⁵ دولت‌ها در انجام «تلاش مقتضی»⁶ در جهت جلوگیری، تعقیب و مجازات مرتکبان خشونت علیه زنان سخن می‌گوید.⁷

«کمیته رفع تبعیض علیه زنان»⁸ که نهاد اجراکننده «کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان»⁹ است، در تفسیر عمومی شماره 14 خود در سال 1990 از دولت‌های عضو می‌خواهد تدابیر مناسب و مقتضی را در جهت کاهش ختنه زنان در پیش گیرند.¹⁰ همچنین کمیته دولت‌ها را ملزم می‌کند اطلاعات مربوط به اقدامات علیه ختنه زنان را در گزارش‌های دوره‌ای خود به کمیته ارائه دهند (Lewis, 2009: 208). پروتکل حقوق زنان افریقا (ماپوتو)¹¹ که در سال 2003 به منشور حقوق

1. G. A. Res. 53/117, U. N. Doc. A/RES/53/117 (Feb. 1, 1999) at 3 (c).

2. G. A. Res. 67/146, U. N. Doc. A/RES/67/146 (Dec. 20, 2012), "Intensifying Global Efforts for the Elimination of Female Genital Mutilations".

3. Impunity

4. G. A. Res. 67/146, U. N. Doc. A/RES/67/146 (Dec. 20, 2012), "Intensifying Global Efforts for the Elimination of Female Genital Mutilations", paras. 3, 7, 13-14.

تدابیر مذکور در این قطعنامه که در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی پیش‌بینی شده است، نشانگر این است که ختنه زنان مسئله‌ای است که بر همه جهان تأثیرگذار است.

5. Positive Obligation

6. Due Diligence

7. G. A. Res. 67/144, U. N. Doc. A/RES/67/144 (Dec. 20, 2012), para. 11.

تعهد مثبت دولت به این معناست که علاوه بر اینکه خود دولت یا ارگان‌های آن نباید آن تعهد را نقض کنند، باید تدابیری را در جهت رعایت و حمایت از اجرای این تعهد و پیشگیری از ختنه زنان در پیش بگیرند.

8. Committee on the Elimination of Discrimination against Women

9. Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women (CEDAW)

10. U. N. Committee on the Elimination of Discrimination against Women (CEDAW), CEDAW General Recommendation No. 14: Female Circumcision, 1990, A/45138.

11. Maputo Protocol

بشر و خلق افریقا منضم شد، تصریح می‌کند دولت‌های عضو باید کلیه ابزار قانونی و سایر ابزارها را در زمینه کاهش تمامی طرق ختنه زنان به کار گیرند.¹ کنوانسیون استانبول (2014) نیز از دولت‌ها می‌خواهد با افزایش آگاهی مردم نسبت به ختنه زنان و فراهم آوردن جبران کافی برای قربانیان آن، علاوه بر ختنه زنان، هر عمل وادارکننده یک زن به تن دادن به ختنه را نیز در حقوق داخلی خود جرم‌انگاری کنند.² قطعنامه‌های سه‌گانه پارلمان اروپا از دولت‌ها می‌خواهد تا بپذیرند که اتخاذ تدابیری علیه ختنه زنان برای رعایت تعهدات‌شان مطابق معاهدات بین‌المللی حقوق بشری از جمله کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، ضروری است و آن‌ها باید مجموعه اقداماتی از جمله افزایش آگاهی و آموزش، استفاده از ابزارهای حقوقی کافی، همکاری با سازمان‌های غیردولتی و دولت‌های درگیر و اختصاص منابع مالی لازم را در راستای رفع نیازهای این زنان در پیش گیرند.³ به علاوه، این اسناد از دولت‌ها می‌خواهند حق پناهندگی را در زمینه زنان ختنه‌شده بپذیرند. دیوان اروپایی حقوق بشر نیز در قضیه «امیلی کولینزاند آشلی آکازیبی»⁴، قضیه «امردو»⁵ و قضیه «ایزه بخای»⁶ بر تعهد دولت‌ها نسبت به ارائه حمایت کافی و مؤثر برای مقابله با ختنه زنان تأکید کرده است (Kool & Wahedi, 2015: 9).⁷ این تدابیر با آغاز به کار «انجمن اروپایی برابری جنسیتی»⁸ در سال 2010 تقویت شد.

1. Protocol to the African Charter on Human and Peoples' Rights on the Rights of Women in Africa 2003, Art. 5.
2. Convention on Preventing and Combating Violence Against Women and Domestic Violence (Istanbul Convention), arts. 11-17, 29, 38.
3. Resolution on Ending Female Genital Mutilation, EUR. PARL. Doc. 2012/2684 (RSP) (2012); Resolution on Combating Female Genital Mutilation in the EU, EUR. PARL. Doc. 2008/2071 (INI) (2009); Resolution on Female Genital Mutilation, EUR. PARL. Doc. 2001/2035 (INI) (2001).
4. Emily Collins and Ashley Akaziebie v. Sweden, European Court of Human Rights, Application No. 23944/05, 8 March 2007.
5. Omeredo v. Austria, European Court of Human Rights, Application no. 8969/10, 20 September 2011.
6. Izevbekhai et al. V. Ireland, European Court of Human Rights, Application no. 43408/08, 17 May 2011.
7. لزوم اعطای پناهندگی به زنان ختنه‌شده در رویه قضایی برخی کشورها پذیرفته شده است. در قضیه «محمد علیه گونزالس»، حق پناهندگی برای زنان ختنه‌شده بر مبنای تئوری «آزار و اذیت مستمر» (Continuing Persecution) یا «صدمه مستمر» (Continuing Harm) مورد شناسایی قرار گرفت. (Mohammed V. Gonzales, 400 F. 3d 785 (9th Cir. 2005)). همچنین در قضیه «فازیا کازینگا»، حق بر پناهندگی برای زنانی که در صورت بازگشت به کشورشان احتمالاً مورد ختنه قرار می‌گیرند، مورد شناسایی قرار گرفت. (Fauziya Kasinga, 21 I. & N. Dec. 357 (United States Board of Immigration Appeals (B. I. A.) 1996)). در واقع، علاوه بر لزوم اعطای پناهندگی به زنان ختنه‌شده، در معرض خطر ختنه بودن نیز مبنایی برای اعطای پناهندگی قلمداد شده است.
8. European Institute for Gender Equality (EIGE)

2. ختنه زنان و حقوق بین‌الملل بشر

مجمع عمومی سازمان ملل در قطعنامه سال 2012 خود به صراحت اعلام می‌کند ختنه زنان به‌عنوان اقدامی «جبران‌ناشدنی»¹ و برگشت‌ناپذیر، آثاری منفی بر حقوق بشر زنان دارد.² موضوعی که در این فصل بررسی می‌شود این است که ختنه زنان بر اجرای کدام‌یک از حق‌های بشری زنان تأثیر منفی خواهد گذاشت؟ از آنجاکه ختنه زنان اقدامی تحمیلی از سوی دولت‌ها یا سایر افراد نیست و اغلب به وسیله زنان دیگر و با رضایت فرد مفعول صورت می‌گیرد، ممکن است این ادعا مطرح شود که با توجه به رضایت قبلی مفعول، نقض حقوق بشر قابل‌استناد نیست. در پاسخ باید گفت بحث تأثیر رضایت فرد تنها درباره افراد رشید مطرح می‌شود و این مسئله در مورد دختران، محلی از اعراب نخواهد داشت. همچنین در زمینه افراد رشید، حتی در صورت رضایت فرد مفعول نیز این امر در تعارض با «کرامت انسانی»³ خواهد بود و از این منظر می‌توان به بی‌تأثیری عنصر رضایت بر ممنوعیت ختنه زنان حکم کرد.

رویه دولت‌ها نیز تأییدکننده بی‌تأثیر بودن رضایت شخص ختنه‌شده بر ممنوعیت انجام آن است. قانون سوئد در زمینه ممنوعیت ختنه زنان (1982) که از نخستین کشورهای ممنوع‌کننده این اقدام است، به صراحت اعلام می‌کند رضایت قربانی امر بی‌اهمیتی است و هرگونه تلاش، آماده‌سازی و توافق بر انجام ختنه، جرم انگاشته می‌شود. دولت‌های استرالیا و قبرس نیز قوانین مشابهی در زمینه بی‌تأثیر بودن رضایت بر وقوع جرم ختنه زنان دارند، ولی در قانون اسپانیا، رضایت قربانی تنها می‌تواند از میزان مجازات حبس بکاهد (Kool & Wahedi, 2015: 10-12). همچنین از آنجاکه برخی حق‌های نقض‌شده در مورد ختنه زنان از جمله ممنوعیت شکنجه ماهیت آمره دارند، رضایت مفعول تأثیری بر متخلفانه بودن عمل نخواهد داشت.

2-1. ختنه زنان و «حق بر سلامت»⁴

اعلامیه جهانی حقوق بشر، حق تمامی انسان‌ها نسبت به برخورداری از استاندارد مناسب بهداشتی و رفاهی در زندگی را به رسمیت شناخته است.⁵ مطابق میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی (1966)،

1. Irreparable

2. G. A. Res. 67/146, U. N. Doc. A/RES/67/146 (Dec. 20, 2012), "Intensifying Global Efforts for the Elimination of Female Genital Mutilations", Preamble, p. 2.

3. Human Dignity

4. Right to Health

5. Universal Declaration of Human Rights 1948, art. 25.

دولت‌ها باید حق هر فرد نسبت به بهره‌مندی از «بالاترین استاندارد قابل‌دسترس بهداشت جسمی و روانی»¹ را به رسمیت بشناسند.² کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان (1979)، این حق را به طور مشخص برای زنان به رسمیت شناخته است³ و پروتکل منشور افریقایی حقوق زنان (2003)، علاوه بر حق بهداشت زنان، ارتقا و رعایت «بهداشت زایشی»⁴ و جنسی را نیز به‌صراحت مورد توجه قرار داده است.⁵

ختنه زنان که اغلب به وسیله افراد تجربی فاقد دانش پزشکی و با ابزارهای غیراستریل انجام می‌گیرد، منجر به عوارض و پیامدهایی از جمله عفونت، درد هنگام مقاربت، تکرر ادرار، خونریزی‌های مداوم، قاعدگی دردناک، عفونت دوران بارداری، احتمال ابتلا به هیپاتیت و نازایی در زنان می‌شود (سیمبر، 1393: 1). در قطعنامهٔ مجمع عمومی سازمان ملل تصریح شده است ختنه زنان اقدامی مضر است که خطرهای جدی بر سلامت جسمی، جنسی و باروری آنان دارد و می‌تواند علاوه بر ایجاد پیامدهای مضر در دوران بارداری و هنگام زایمان و پیامدهای مرگبار برای مادر و نوزاد، آسیب‌پذیری در مقابل ویروس H.I.V را افزایش دهد.⁶ مطابق گزارش سازمان جهانی بهداشت در سال 2008، ختنه زنان آثار منفی کوتاه‌مدت و بلندمدتی بر سلامت و بهداشت زنان می‌گذارد. مواردی از جمله درد شدید، شوک، خونریزی شدید و مشکل دفع ادرار و مرگ، از آثار کوتاه‌مدت، و نازایی، ایجاد خطر برای نوزاد، آثار روانی، کاهش لذت جنسی و بیماری‌های ضعیف‌کنندهٔ سیستم ایمنی بدن از پیامدهای بلندمدت این اقدام است (Nedzi, 2010: 82). بی‌تردید اقدامی که چنین نتایجی را به دنبال دارد، حق بر سلامت را نقض خواهد کرد.

2-2. ختنه زنان و «حق بر رهایی از شکنجه و رفتار ظالمانه و غیرانسانی»⁷

ماده 2 (الف) اعلامیه کاهش خشونت علیه زنان،⁸ به‌صراحت ختنه را یکی از اشکال خشونت علیه زنان معرفی می‌کند. کمیته حقوق بشر در برخی ملاحظات خود که به طور مشخص مربوط به

1. The highest Attainable Standard of Physical and Mental Health

2. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, Dec. 16, 1966, 993 U. N. T. S. 3, art. 12.

3. Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women (1979), art. 12.

4. Reproductive Health

5. Protocol to the African Charter on Human and Peoples' Rights on the Rights of Women in Africa 2003, Art. 14.

6. G. A. Res. 67/146, U. N. Doc. A/RES/67/146 (Dec. 20, 2012), "Intensifying Global Efforts for the Elimination of Female Genital Mutilations", Preamble, p. 2.

7. Right to Freedom from Torture and Cruel, Inhuman, or Degrading Treatment

8. GA/RES/48/104, 23 February 1994, Declaration on the Elimination of Violence against Women.

موضوع دولت سودان و دولت یمن بود، به‌صراحت اعلام کرد ختنه زنان رفتاری ظالمانه، غیرانسانی و ترذیلی است و ممنوعیت عام شکنجه را نادیده می‌گیرد.¹ کمیته حقوق افراد دارای معلولیت در تفسیر کلی شماره 3، ختنه زنان را یکی از رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی و ترذیلی تلقی کرده است.² کمیته منع شکنجه،³ به‌صراحت ختنه زنان را به منزله یکی از اشکال شکنجه تلقی کرده است که دولت‌ها باید تلاش مقتضی برای مقابله با آن انجام دهند. دیوان اروپایی حقوق بشر نیز در قضیه «امیلی کولینزاند اشلای آکازیبی»⁴ در این باره اظهارنظر کرده است. در قضیه مزبور دیوان اعلام می‌کند هیچ تردیدی در این زمینه وجود ندارد که زنان ختنه‌شده، مشمول بدرفتاری مندرج در ماده 3 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در زمینه «ممنوعیت شکنجه»⁵ خواهند بود؛ بااین‌حال، تلقی ختنه زنان به‌عنوان شکنجه برخلاف تعریف سنتی آن در کنوانسیون منع شکنجه (1984) است که براساس آن، شکنجه باید از سوی مقامات رسمی و با هدف گرفتن اطلاعات باشد.⁶ البته تعریف سنتی شکنجه، پیش از این در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی دگرگون شده بود.⁷

2-3. ختنه زنان و «حق بر رهایی از تبعیض براساس جنسیت»⁸

ختنه زنان به‌عنوان اقدامی که به طور انحصاری زنان را هدف قرار می‌دهد، به طور پیش‌فرض، تبعیضی براساس جنسیت ایجاد می‌کند. برخی ختنه زنان را تلاشی در جهت تنزل جایگاه زنان نسبت به مردان می‌دانند (Idowu, 2008: 119). براساس کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (1979)، دولت‌ها باید اقدامات مناسبی را در زمینه اصلاح الگوهای رفتاری فرهنگی و اجتماعی با هدف از بین بردن صدمات ناشی از رسوم مبتنی بر رویکرد حقیرشمردن براساس جنسیت اتخاذ کنند⁹ و بدون فوت وقت، ابزارهای مناسب را در جهت کاهش تبعیض علیه زنان و اصلاح الگوهای

1. Concluding Observations on Sudan, (1997) UN Doc CCPR/C/76 ADD; Concluding Observation on Yemen (2002) UN Doc CCPR/CO/75/YEM.

2. Committee on the Rights of Persons with Disabilities, CRPD/C/GC/3, 2 September 2016, para. 32.

3. Committee Against Torture, General Comment on the Implementation of Article 2 by States Parties UN Doc. CAT/C/GC/2 (2007), para. 18.

4. Emily Collins and Ashley Akaziebie v. Sweden, European Court of Human Rights, Application no. 23944/05, 8 March 2007.

5. Prohibition of Torture

6. Convention against Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment 1984, art. 1 (1).

7. Rome Statute of the International Criminal Court 1998, art 7 (2) (e).

8. Right to Freedom from Discrimination based on Sex

9. Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women (1979), art. 5 (a).

رفتاری، فرهنگی و اجتماعی که مبتنی بر برتری یکی از جنسیت‌هاست، به کار گیرند.¹ همچنین منشور افریقایی حقوق بشر در ماده 18 (3) ابراز می‌دارد دولت‌ها باید رفع هرگونه تبعیض علیه زنان و رعایت حقوق زنان - مندرج در کنوانسیون‌ها و اعلامیه‌های بین‌المللی - را تضمین کنند. متأسفانه کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان که حقوق زنان را به نحو گسترده‌ای پوشش می‌دهد، خشونت علیه زنان را به صراحت ممنوع نمی‌کند؛ با این حال، کمیته رفع تبعیض علیه زنان² در تفسیر کلی شماره 19، از ختنه زنان به عنوان یکی از مصادیق کوچک کردن زنان در مقابل مردان نام می‌برد و پیامد چنین اقدامی را بر تمامیت روحی و جسمانی زنان، محرومیت از بهره‌مندی و اجرای حقوق بشر و آزادی‌های اساسی اعلام می‌دارد.³ به علاوه، خشونت علیه زنان را به طور خاص یکی از اشکال تبعیض نسبت به زنان می‌انگارد.⁴

4-2. ختنه زنان و «حق حیات»⁵ و «حق تولید مثل»⁶ و «حق بر تمامیت جسمی و روانی»⁷

با توجه به اینکه تعداد بسیار اندکی از زنان ممکن است به سبب خونریزی شدید، عفونت یا مسائل مشابه به واسطه ختنه جان خود را از دست بدهند، این اقدام اغلب به طور مستقیم حق حیات را نقض نخواهد کرد، چراکه ختنه ضرورتاً منجر به فوت نمی‌شود. همچنین نمی‌توان این ادعا را که مشکلات مربوط به نازایی به واسطه ختنه زنان، حق حیات را نقض می‌کند به آسانی پذیرفت؛ با این حال، با توجه به مشکلات نازایی که برای زنان ختنه‌شده ایجاد می‌شود، می‌توان گفت حق تولید مثل آنان نقض می‌شود. به علاوه، اگر ختنه زنان در زمینه یک گروه «اقلیت» ملی، قومی، نژادی یا مذهبی و با «قصد نابودکردن»⁸ آن گروه صورت پذیرد، می‌توان آن را مصداق جرم «نسل‌زدایی»¹ قلمداد کرد. در زمینه حق

1. Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women, Dec. 18, 1979, 1249 U. N. T. S. 13, arts. 2, 5.

2. این کمیته که براساس ماده 29 کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان می‌تواند به اختلاف‌های بین‌الدولی ناشی از کنوانسیون رسیدگی کند، براساس پروتکل اختیاری منضم به کنوانسیون - که در سال 2000 لازم‌الاجرا شده است - بر رسیدگی به شکایت افراد علیه دولت‌ها نیز صلاحیت یافته است (Woods & Lewis, 2005: 239).

3. U. N. Committee on the Elimination of Discrimination against Women (CEDAW), CEDAW General Recommendation No. 19: Violence Against Women, para. 11.

4. U. N. Committee on the Elimination of Discrimination against Women (CEDAW), CEDAW General Recommendation No. 19: Violence Against Women, para. 1.

5. Right to Life

6. Right to Reproduction

7. Right to Physical and Mental Integrity

8. Intent to Destroy

بر تمامیت جسمی و روانی باید گفت اگر آسیب‌های وارده بر تمامیت جسمانی و روانی فرد بدون اجازه او واقع شود، بدون تردید حق بشری او نقض شده است، اما در ختنه زنان که دست‌کم در افراد بزرگسال با درخواست یا رضایت مفعول انجام می‌گیرد، نمی‌توان به نقض حق بر تمامیت جسمی و روانی استناد کرد؛ باین حال، کمیته حقوق افراد دارای معلولیت، پس از بررسی وضعیت کشور گابن در گزارش سال 2015 خود به وضعیت ختنه زنان در این کشور اشاره می‌کند و آن را ناقض حق بر تمامیت جسمانی مندرج در کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت² قلمداد می‌کند.³ کمیته مزبور، این رویکرد را در گزارش مربوط به دولت کنیا نیز تکرار می‌کند.⁴

2-5. ختنه دختران و نقض حقوق کودک

ارتقای فردی و مشارکت اجتماعی کودکان، جوامع آینده را شکل خواهد داد و آسیب‌های وارده به آن‌ها می‌تواند آسیب‌های اجتماعی قابل‌توجهی را برای جوامع آینده ایجاد کند. همچنین کودکان و به‌ویژه دختران به‌عنوان آسیب‌پذیرترین اعضای یک جامعه انسانی، به‌شدت به حمایت نیاز دارند. فعل ختنه معمولاً در سنین پنج تا شش‌سالگی یا ده تا یازده‌سالگی انجام می‌شود و این اقدام در زنان بالغ به‌ندرت مشاهده می‌شود (Nedzi, 2010: 80). به این سبب که ختنه اغلب با موافقت والدین دختران و در خانه‌های شخصی انجام می‌شود، ارائه حمایت‌ها از سوی دولت بسیار دشوار است. همچنین روابط میان افراد، غالباً خارج از قلمرو حقوق بین‌الملل قرار می‌گیرند. همین دلایل موجب شده است تا در قوانین داخلی برخی دولت‌ها از جمله ایتالیا که ختنه زنان جرم تلقی شده است، کودک‌بودن فرد ختنه‌شده یکی از عوامل تشدید مجازات محسوب شود (Kool & Wahedi, 2015: 12).

هنگامی که فرد ختنه‌شده، دختری زیر سن قانونی باشد، علاوه بر نقض حق‌های گفته‌شده، حق‌های دیگری نیز نقض می‌شود. براساس کنوانسیون حقوق کودک (1989)، دولت‌های عضو متعهدند از کودکان در مقابل کلیه اشکال بدرفتاری، خشونت و سوءاستفاده جسمی و روانی حمایت کنند؛ حتی هنگامی که تحت مراقبت والدین یا سرپرستان قانونی خود هستند.⁵ همچنین آن‌ها تعهد

1. Genocide

2. Convention on the Rights of Persons with Disabilities 2006, art. 17.

3. Committee on the Rights of Persons with Disabilities, CRPD/C/GAB/CO/1, 2 October 2015, para. 40.

4. Committee on the Rights of Persons with Disabilities, CRPD/C/KEN/CO/1, 30 September 2015, para. 33.

5. Convention on the Rights of the Child, Nov. 20, 1989, 1577 U. N. T. S. 3, art. 19 (1).

دارند سنت‌های زیان‌بار بر سلامت کودکان را از میان بردارند.¹ کمیته حقوق کودک در تفسیر کلی سال 2011 خود در زمینه حق کودک نسبت به رهایی از کلیه اشکال خشونت،² ختنه زنان را به‌صراحت اقدامی زیان‌بار نسبت به سلامت دختران توصیف می‌کند (Van Den Brink & Tigchelaar, 2012: 431). منشور افریقا در زمینه حقوق و رفاه کودکان (1990) تصریح می‌کند دولت‌ها باید هر آنچه می‌توانند در جهت متوقف کردن سنت‌های فرهنگی و اجتماعی زیان‌بار بر موقعیت و رفاه کودکان انجام دهند.³

3. ختنه زنان و مسئله تزاخم حق‌ها

به‌رغم مضرات و نقض حق‌های بشری که در زمینه ختنه زنان مطرح شد، برخی ختنه را حق زنان می‌دانند. برای مثال، کوباه معتقد است آنچه سوءاستفاده از حقوق بشر خوانده می‌شود، رویکردی است که لیبرالیسم غربی قصد دارد بر سبک زندگی متداول افریقایی تحمیل کند.⁴ «تنوع فرهنگی»⁵ مفهومی پذیرفته‌شده در حقوق بین‌الملل است؛ تا جایی که حتی این مفهوم از سوی سازمان یونسکو «میراث مشترک بشریت»⁶ قلمداد شده است؛⁷ از این رو در مقابله دولت‌ها با پدیده ختنه زنان، بحث تعارض یا «تزاخم حق‌ها»⁸ مطرح می‌شود. در واقع، هنگامی که می‌پذیریم ختنه زنان، ریشه در باورهای مذهبی و رویکردهای فرهنگی دارد، باید میان رعایت آزادی‌های مذهبی و فرهنگی و رعایت سایر حقوق بشر افراد، یکی را برگزینیم.

در پاسخ به این مسئله، ماده 2 (الف) اعلامیه کاهش خشونت علیه زنان،⁹ پس از اینکه به‌صراحت

1. Convention on the Rights of the Child, Nov. 20, 1989, 1577 U. N. T. S. 3, art. 24 (3).
2. Committee on the Rights of the Child, General Comment on the Right of the Child to Freedom from all Forms of Violence, UN Doc. CRC/C/GC/13 (2011), para. 29.
3. The African Charter on the Rights and Welfare of the Child 1990, art. 21.
4. Josiah A. M. Cobbah, African Values and the Human Rights Debate 9 HUM. RTS. Q. 326 (1987).
5. باید توجه داشت که تنوع فرهنگی (Cultural Diversity) متمایز از نسبی‌گرایی فرهنگی (Cultural Relativity) است. برخلاف نسبی‌گرایی فرهنگی، تنوع فرهنگی لزوماً جهان‌شمولی (Universality) حقوق بشر را در معرض تهدید قرار نمی‌دهد، اما نسبی‌گرایی قصد دارند التزام به حقوق بشر را زیر سؤال ببرند و درحالی‌که تنوع فرهنگی یک ارزش است، نسبی‌گرایی فرهنگی حتی می‌تواند یک ضد ارزش تلقی شود.
6. The Common Heritage of Humanity
7. UNESCO Universal Declaration on Cultural Diversity, Resolution adopted on the report of Commission IV at the 20th plenary meeting, 2 November 2001, art. 1.
8. Conflict of Rights
9. GA/RES/48/104, 23 February 1994, Declaration on the Elimination of Violence against Women, art. 1.

ختنه زنان را یکی از اشکال خشونت علیه زنان می‌انگارد، اعلام می‌کند دولت‌ها نباید به منظور اجتناب از تعهدات خود در زمینه پایان‌دادن به خشونت علیه زنان، به مسائل مذهبی، فرهنگی و سنتی استناد کنند.¹ این استدلال حتی در قوانین داخلی برخی کشورها نیز مورد تصریح قرار گرفته است. در قانون عدالت کیفری ایرلند (2012)، انگیزه‌ها و ادعاهای فرهنگی نسبت به ختنه زنان پذیرفته نشده است (Kool & Wahedi, 2015: 12). اقدامات دولت‌ها برای مقابله با ختنه زنان، با اعمال «حق افراد بر زندگی شخصی»² که براساس آن، افراد مصون از مداخله دولت در تصمیم‌های مرتبط با خانواده، پرورش فرزند و جنسیت خواهند بود، در تعارض قرار می‌گیرد. در زمینه تزامم حق‌های بشری باید گفت به دلیل تأکید بر «وابستگی متقابل»³ و «تفکیک‌ناپذیری»⁴ حق‌های بشری، هیچ سلسله‌مراتبی میان حق‌های بشری به رسمیت شناخته نشده است (Kogi, 2001: 917) و در موارد تزامم میان حق‌های بشری، تعهدی برتری دارد که بیشترین حمایت را از فرد به عمل می‌آورد (قاعده قانون مطلوب‌تر) (مافی و بذآر، 1395: 1035-1036). در مسئله ختنه زنان بدون تردید حق آزادی انجام باورهای مذهبی و فرهنگی به سبب نقض حق‌های بشری متعددی که به واسطه انجام ختنه در زنان نادیده گرفته خواهد شد، تعلیق می‌شود. به علاوه، اگر خلاف این را بپذیریم، نقض هنجارهای حقوق بشری می‌تواند به آسانی و با توسل به فرهنگ‌های خاص توجیه شود.

نتیجه‌گیری

ناقص‌سازی جنسی زنان (ختنه) که عوارض و آثار مخربی بر جسم و روان زنان دارد، حق‌های بشری متعددی از جمله حق بر سلامت، حق بر رهایی از تبعیض براساس جنسیت، حق بر تولید مثل و حق بر رهایی از شکنجه و رفتارهای غیرانسانی را نادیده می‌گیرد؛ باین حال افرادی که به این کار مبادرت می‌کنند، از حق بشر بر انجام باورهای فرهنگی خود سخن می‌گویند. در جامعه بین‌المللی، ختنه زنان با ممنوعیت گسترده به‌ویژه از سوی مراجع بین‌المللی حقوق بشر مواجه شده است. این ممنوعیت تا بدان جا پیش رفته است که برخی تعهدات را برای دولت‌ها از جمله جرم‌انگاری، تخصیص منابع مالی و افزایش آگاهی و آموزش افراد به منظور کاهش این پدیده پیش‌بینی کرده

1. GA/RES/48/104, 23 February 1994, Declaration on the Elimination of Violence against Women, art. 4.

2. Right to Privacy

3. Interdependence

4. Indivisibility

است. همچنین تلقی ختنه زنان به عنوان شکنجه یا رفتار غیرانسانی سبب شده است تا در حقوق بین‌الملل، حق پناهندگی برای قربانیان آن به رسمیت شناخته شود.

با توجه به واکنش‌های شدید جامعه بین‌المللی به نظر می‌رسد در آینده نزدیک، ختنه زنان نیز مانند برخی سنت‌های فرهنگی زیان‌بار از جمله سنت «سوزاندن زنان بیوه»¹ و سنت «فوت بایندینگ»² بایندینگ² که در زمان‌های قدیم به ترتیب در هند و چین انجام می‌شد، به دست فراموشی سپرده شود. رسیدن به چنین وضعیتی در زمینه ختنه زنان نیازمند همکاری حداکثری بازیگران بین‌المللی طی فرایندی بلندمدت است و نمی‌توان انتظار داشت این پدیده تقریباً جهانی، با اقدام چند مرجع بین‌المللی یا چند دولت از بین برود. تدابیر مبتنی بر زور و اقدامات کوتاه‌مدت حتی می‌تواند نتیجه منفی به دنبال داشته باشد. برای مثال، هنگامی که در سال 1946، یک ماما در سودان به دلیل انجام ختنه دختری به زندان افتاد، شهروندان با حمله به زندان او را آزاد کردند. همچنین باید تدابیر متمایزی را در مناطق مختلف به کار گرفت. برای مثال، در کشورهای اروپایی و امریکای شمالی که این پدیده نادر است، می‌توان جرم‌انگاری و تعقیب قضایی را مدنظر قرار داد، اما در کشورهایی که ختنه زنان امر رایجی است، باید از ابزار فرهنگی برای مقابله با این اقدام زیان‌بار استفاده کرد.

تلقی زنانی که در معرض ختنه قرار گرفته‌اند به عنوان قربانی و حمایت از آن‌ها در جامعه بین‌المللی، به تدریج افزایش یافته است تا جایی که در سال 2009 ترس ناشی از احتمال در معرض ختنه قرار گرفتن، مورد اشاره «کمیسیونر عالی ملل متحد برای امور پناهندگان»³ قرار گرفت.⁴ این اقدام در پی رویه موجود در زمینه اعطای وضعیت پناهندگی و «عدم بازگرداندن»⁵ زنان ختنه‌شده در کشورهای اروپای غربی و امریکای شمالی به کشورهایی که در آن‌ها مورد ختنه قرار گرفتند، انجام شد. بر این اساس، ختنه که صدمه شدید جسمی و روانی بر زنان وارد می‌کند، شکلی از خشونت جنسی و به عنوان شکنجه قلمداد و مقرر شد به زنان قربانی ختنه پناهندگی داده شود.⁶

1. Widow Burning

2. براساس سنت قدیمی فوت بایندینگ (Foot Binding) که در چین انجام می‌گرفت، انگشتان پای زنان را می‌شکستند و به کف پا می‌جسباندند تا پای زنان شبیه پای حیوانات سم‌دار به نظر برسد.

3. United Nations High Commissioner for Refugees (UNHCR)

4. www.unhcr.org/refworld/docid/4a0c28492.html.

5. Non-Refoulement

6. www.unhcr.org/refworld/docid/3d36f1c64.html.

جوامع مدنی و رسانه‌ها می‌توانند نقش مهمی در مقابله با پدیده ختنه زنان داشته باشند و به‌ویژه با اطلاع‌رسانی عمومی در زمینه آثار و صدمات جسمی و روانی این پدیده در جهت کاهش آن تلاش کنند. به علاوه، از آنجاکه ختنه زنان حق‌های بشری متعددی را نقض می‌کند، می‌توان امیدوار بود اقدام به این پدیده زیان‌بار از طریق عملکرد مراجع بین‌المللی حقوق بشر روزبه‌روز کاهش یابد. برای مثال کمیته حقوق بشر، کمیته منع شکنجه و دیوان اروپایی حقوق بشر این اقدام را شکنجه قلمداد کرده‌اند یا کمیته رفع تبعیض علیه زنان از دولت‌ها می‌خواهد تدابیری را که در جهت مقابله با ختنه زنان اتخاذ کرده‌اند، در گزارش دوره‌های خود به کمیته مزبور اعلام کنند. کمیته حقوق کودک و کمیته حقوق افراد دارای معلولیت نیز در راستای موضعی که نسبت به ختنه زنان برگزیده‌اند و آن را محکوم و رفتاری ترذیلی و حقیرکننده دانسته‌اند، می‌توانند تلاش‌های قابل‌توجهی در مقابله با این پدیده داشته باشند.

فهرست منابع

- بسامی، مسعود؛ پاشایی، طاهره و همکاران (1390)، «ختنه زنان از دیدگاه فقه، حقوق و پزشکی»، فصلنامه فقه پزشکی، سال 2 و 3، شماره 5 و 6.
- حاجی فقها، محبوبه و سیمبر، معصومه و همکاران (1395)، «ختنه دختران: الزام دینی یا اجبار فرهنگی؟»، مجله زنان، مامایی و نازایی ایران، دوره 19، شماره 25.
- ذوالفقارطلب، مصطفی؛ جمالی، محمد (1393)، «ختنه زنان از دیدگاه مذاهب فقهی»، فصلنامه فقه پزشکی، سال 6، شماره 18 و 19.
- سیمبر، معصومه؛ عبدی، فاطمه و دیگران (1393)، «پیامدهای ختنه در زنان: مروری بر مطالعات موجود»، مجله حکیم سید اسماعیل جرجانی، سال 2، شماره 1.
- غلامی، علی؛ مقدمی، ندا (1397)، «جرایم محتمل در ختنه دختران و ضرورت جرم‌انگاری آن»، فصلنامه حقوق پزشکی، سال 12، شماره 45.
- مافی، همایون؛ بذار، وحید (1395)، «نظریه سلسله‌مراتب هنجاری در پرتو قواعد حقوق بشری با تأکید بر رویه قضایی بین‌المللی»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره 46، شماره 4.

- Avalos, L. R. (2015) "Female Genital Mutilation and Designer Vaginas in Britain: Crafting an Effective Legal and Policy Framework," *Vanderbilt Journal of Transnational Law*, Vol. 48.
- Browning, A. and Allsworth, J. E. and others (2010), "The Relationship Between Female Genital Cutting and Obstetric Fistulae," *Obstet Gynecol*, Vol. 115, No. 3.
- Essen, Birgitta and Bodker, Birgit and others (2002), "Is There an Association Between Female Circumcision and Perinatal Death?," *Bulletin of the World Health Organization*, Vol. 80, No. 8.
- Idowu, A. (2008), "Effects of Forced Genital Cutting on Human Rights of Women and Female Children: the Nigerian Situation," *Law Democracy and Development*, Vol. 12.
- Kiouman, E. and Manongi, R. and others (2005), "Self-Reported and Observed Female Genital Cutting in Rural Tanzania: Associated Demographic Factors, HIV and Sexually Transmitted Infections," *Tropical Medicine and International Health*, Vol. 10, No. 1.
- Kogi, T. (2001), "Emerging Hierarchy International Human Rights and Beyond: from the Perspective of Non-derogable Rights," *European Journal of International Law*, Vol. 12, No. 5.
- Kool, R. and Wahedi, S. (2015), "The Application of the French, English and Dutch Notions

- of Citizenship on the Criminal Law Approach towards Female Genital Mutilation, ” in M. Martin and S. N. Romaniuk (Eds), *Development and the Politics of Human Rights* (1-40), CRC Press (Taylor & Francis Group).
- Lau, H. (2005), “Rethinking the Persistent Objector Doctrine in International Human Rights Law, ” *The Chicago Journal of International Law*, Vol. 6, No. 1.
- Lewis, H. (2009), “Female Genital Mutilation and Female Genital Cutting, ” in David P. Forcythe (Eds), *Encyclopedia of Human Rights: Democracy Promotion*-John Humphrey (200-213), Oxford University Press.
- Mafi, H. and Bazzar, V. (2017), “The Theory of Normative Hierarchy in the Light of Human Law Rules with Emphasis on International Case Law, ” *Public Law Studies Quarterly*, Vol. 46, No. 4.
- Nedzi, A. (2010), “Entrenched Customs Die Hard, Can Harmful Traditional Practices Be Justified by Cultural Relativism of Human Rights? Case Study of FGM, ” *OIDA International Journal of Sustainable Development*, Vol. 2, No. 4.
- Nnamuchi, O. (2014), “United Nation’s Resolution on Elimination of Female Genital Ritual: A Legitimate Response to a Human Rights Problem or What?, ” *Medicine and Law*, Vol. 33.
- Quitter, B. (2014), “Culture or Condemnation? The Status of Female Genital Mutilation in International Law, ” *SSRN Electronic Journal*.
- Rahman, A. and Toubia, N. (2000), *Female Genital Mutilation: A Guide to Laws and Policies Worldwide*, New York: Zed Publishers.
- Sanz Mulas, N. (2015), “Strategies for the Fight against Female Genital Mutilation in Europe, ” *US-China Law Review*, Vol. 12.
- Trueblood, L. A. (2000), “Female Genital Mutilation A Discussion of International Human Rights Instruments, Cultural Sovereignty and Dominance Theory, ” *Denver Journal of International Law and Policy*, Vol. 28.
- Van Den Brink, M. and Tigchelaar, J. (2012), “Shaping Genitals, Shaping Perceptions: A Frame Analysis of Male and Female Circumcision, ” *Netherlands Quarterly of Human Rights*, Vol. 30, No. 4.
- Woods, J. M. and Lewis, H. (2005), *Human Rights and the Global Marketplace: Economic, Social and Cultural Dimensions*, New York: Transnational Publishers.

